

بررسی حکم شرعی رفتار حکومت در جمع آوری اطلاعات از حوزه

حریم خصوصی اشخاص*

حسنعلی علی‌اکبریان**

چکیده

جمع آوری اطلاعات از حوزه حریم خصوصی اشخاص توسط حکومت اسلامی برای حفظ امنیت و مصالح جامعه، صور و احکامی دارد که در مقاله حاضر، به سه نکته مهم در این مسئله پرداخته می‌شود: ۱. بررسی این امر که آیا همه موارد جمع آوری اطلاعات از حریم خصوصی افراد، بدون ظن جاسوسی و توطئه و مانند آن، مستلزم شکستن آن است یا خیر؟ نوآوری این بررسی، در تفکیک میان جمع آوری اجمالی و تفصیلی اطلاعات است. ۲. بررسی دلالت ادله نقلی حرمت جمع آوری اطلاعات از جانب حکومت در جایی که مستلزم شکستن حریم خصوصی شهروندان است. نوآوری این بررسی، در توجه به شمول و عدم شمول دلالت ادله لفظی نسبت به تجسس حکومت (نه تجسس مردم از یکدیگر) است. غالب این ادله بر چنین شمولی دلالت ندارند؛ زیرا اولاً درباره روابط شخصی افراد جامعه با یکدیگرند، ثانیاً درباره عیوب و گناهان شخصی‌اند. ۳. ارتباط ادله موجود در حوزه حکم جمع آوری اطلاعات از جانب حکومت. نوآوری این بررسی، در تبیین دقیق و صحیح ارتباط ادله است. روش این مقاله، توصیفی - تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها

جمع آوری اطلاعات، حریم خصوصی، تجسس، حکومت اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۶ - تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۱

* این مقاله برگرفته از همایش ملی فقه اطلاعاتی می‌باشد.

** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. Ha.aliakbarian@isca.ac.ir

مقدمه

فعالیت اطلاعاتی و ضداطلاعاتی، جزء جدانشدنی حکومت‌ها برای حفظ امنیت است و حکومت اسلامی نیز چه در شکل ساده گذشته و چه در شکل پیچیده و مدرن امروزی، مستثنای آن نیست. در زمینه جواز و حرمت این فعالیت‌ها و به‌ویژه در مواردی که مستلزم شکستن حریم خصوصی افراد است، کتاب‌های مستقل و غیرمستقل و مقالاتی نوشته شده است. با این حال، از دیدگاه نویسنده، نکاتی در این باره وجود دارد که هنوز نیازمند تنقیح و توجه بیشتر است.

در این مقاله به سه نکته در «موضوع‌شناسی»، «استظهار از ادله» و «ارتباط ادله» پرداخته می‌شود؛ سه نکته‌ای که به نظر نویسنده، توجه کمتری به آنها شده است. این سه نکته عبارتند از: ۱. بررسی این امر که آیا همه موارد جمع‌آوری اطلاعات از حریم خصوصی افراد، بدون ظن جاسوسی و توطئه و مانند آن، مستلزم شکستن آن است یا خیر؟ نوآوری این بررسی، در تفکیک میان جمع‌آوری اجمالی و تفصیلی اطلاعات است. ۲. بررسی دلالت ادله نقلی حرمت جمع‌آوری اطلاعات از جانب حکومت در جایی که مستلزم شکستن حریم خصوصی شهروندان است. نوآوری این بررسی، در توجه به شمول و عدم شمول دلالت ادله لفظی نسبت به تجسس حکومت (نه تجسس مردم از یکدیگر) است. بسیاری از کسانی در این زمینه بحث کرده‌اند، به این نکته توجه نکرده و برداشت خطا از ادله داشته‌اند. غالب این ادله بر چنین شمولی دلالت ندارند؛ زیرا اولاً درباره روابط شخصی افراد جامعه با یکدیگرند؛ و ثانیاً درباره عیوب و گناهان شخصی‌اند. ۳. ارتباط ادله موجود در حوزه حکم جمع‌آوری اطلاعات از جانب حکومت. نوآوری این بررسی، در تبیین دقیق و صحیح ارتباط ادله است.

مخاطب مورد نظر این نوشتار، خواننده‌ای است که با اصطلاحات اصول فقه آشنایی دارد و منابعی را که درباره تجسس در حریم خصوصی تدوین شده، خوانده است. بنابراین مباحث آن به اختصار بیان می‌شود.

۱. مفاهیم و محل بحث

برای تبیین محل بحث، از بیان اقسام فعالیت‌های اطلاعاتی ناگزیریم، تا روشن شود کدام فعالیت اطلاعاتی، شکستن حقوق اشخاص در حریم خصوصیشان است؛ آن‌گاه از حکم این نوع از فعالیت، بحث خواهیم کرد.

اطلاعات

اطلاعات، «فرآورده حاصل از جمع‌آوری، پردازش، جمع‌بندی، تحلیل، ارزش‌یابی و تفسیر اخبار موجود مربوط به کشورها یا ممالک خارجی، اخبار و دانش مربوط به حریف که از طریق مشاهده، تحلیل یا آگاهی حاصل شده است» (بخشی، ۱۳۹۳: ۳۱) تعریف و از حیث‌های مختلف تقسیم شده است (بخشی، ۱۳۹۳: ۳۳ - ۳۸):

اول: تقسیم از حیث مرحله اطلاعات در چرخه اطلاعاتی: ۱. طراحی و هدایت؛ ۲. جمع‌آوری؛ ۳. پردازش خبر؛ ۴. تجزیه و تحلیل و برآورد؛ ۵. انتشار. محل بحث این مقاله، از مرحله جمع‌آوری آغاز می‌شود؛ زیرا این اولین مرحله‌ای است که به حریم خصوصی افراد تعدی می‌شود؛ اما باید دانست که خود مرحله جمع‌آوری نیز تقسیماتی دارد که همه آنها محل بحث نیستند. از این رو، توجه به تقسیم بعدی لازم است. اگر جمع‌آوری اطلاعات، محل بحث باشد، هر نوع فعالیتی که در مراحل بعد انجام می‌شود، داخل در بحث خواهد بود و بلکه عناوین دیگری نیز به غیر از حیثیت تعدی به حریم خصوصی، در آنها مجال بحث می‌یابند؛ مانند عنوان اشاعه فحشا.

دوم: تقسیم از حیث روش جمع‌آوری: ۱. پنهان؛ ۲. رسمی؛ ۳. آشکار. مراد از جمع‌آوری پنهان، هر نوع جمع‌آوری اطلاعات مخفیانه است که از دید حریف پنهان می‌ماند. جمع‌آوری رسمی، با اطلاع حریف و با توافق او صورت می‌گیرد و جمع‌آوری آشکار با ابزار آشکار و اطلاع عمومی انجام می‌شود. جمع‌آوری رسمی و آشکار، به صورت قانونی انجام می‌شود. محل بحث این مقاله، جمع‌آوری پنهان است؛ زیرا جمع‌آوری رسمی، توافق حریف را در بر دارد و اطلاع عمومی و آشکار بودن ابزار در جمع‌آوری آشکار، حریم خصوصی را از اعتبار خصوصی بودن خارج می‌کند.



سوم: تقسیم از حیث هدف: ۱. اطلاعات (جاسوسی)؛ ۲. ضداطلاعات (ضدجاسوسی). ماهیت فعالیت ضداطلاعاتی، ماهیت دفاعی است و ماهیت فعالیت اطلاعاتی، ماهیت حمله است. از این رو، شبهه جواز در فعالیت اطلاعاتی بیش تر است؛ چراکه فعالیت ضداطلاعاتی، فرع بر فعالیت جاسوسی از طرف حریف است و جواز دفاع از امنیت ملی و حتی از حریم خصوصی آحاد جامعه، بر آن متوقف است. بنابراین محل بحث ما، فعالیت اطلاعاتی است. اگرچه برخی از مراتب فعالیت ضداطلاعاتی، از قبیل فعالیت اطلاعاتی پیش گیرانه، می تواند محل بحث باشد، در این مقاله مختصر، محل بحث را فقط فعالیت اطلاعاتی قرار می دهیم. همچنین فعالیت اطلاعاتی در جایی که طرف اطلاعات، دشمن است، محل بحث ما نیست؛ زیرا جواز و بلکه وجوب جمع آوری اطلاعات از دشمن، محل اختلاف نیست و ادله فراوانی نیز در سیره پیامبر ﷺ در آن وجود دارد. محل بحث، در جمع آوری اطلاعات از شهروندان کشور به طور مطلق است بدون این که مضمون به جاسوسی یا توطئه علیه نظام باشند.

حریم خصوصی

«حریم خصوصی» در بند اول ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، چنین تعریف شده است: «حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی، در چارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منزل، محل های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران، حریم خصوصی محسوب می شوند» (علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱: ۶۱) تعاریف متعدد دیگری نیز برای حریم خصوصی شده است (همان، ۴۷ - ۶۱؛ سروش، ۱۳۹۳: ۱۱ - ۱۶) که قلمرو آن بر اساس آنها متفاوت می شود؛ اما مصادیق روشنی دارد که در همه تعاریف و تلقی همه کسانی که چیزی به اسم حریم خصوصی را قبول دارند، مشترک است. برخی از این مصادیق، عبارت است از: داخل منزل مسکونی در جایی که قانون نیز مالکیت

تصرف شخص در آن را پذیرفته باشد؛ نامه‌های شخصی خانوادگی؛ دفتر خاطرات؛ سلاقی و علائق شخصی مانند این که چه کسانی را دوست دارد؛ روابط شخصی خانوادگی میان زن و شوهر و پدر و مادر و فرزندان.

برخی امور نیز در هیچ تعریفی داخل حریم خصوصی نیست؛ مانند صحنه خیابان و بازار و مراکز عمومی هنگامی که برای مراجعه عموم باز هستند.

برخی امور نیز مشتبه هستند و تعریف کردن حریم خصوصی برای قضاوت در مصداقیت آن موارد، فایده‌ای ندارد؛ زیرا اول باید مصداقیت آن را شناخت و سپس بر اساس آن، حریم خصوصی را تعریف کرد؛ نه این که اول آن را تعریف کنیم و بر اساس آن، در مصداقیت یک امر مشتبه، قضاوت کنیم. اگر عنوان حریم خصوصی در یک دلیل لفظی، موضوع حکم شرعی قرار می‌گرفت، تعریف کردن آن و شناخت معنای متبادر از آن مفید بود و می‌توانستیم بر اساس معنای آن، درباره مصداق قضاوت کنیم؛ اما چنین نیست. به هر حال، برای امور مشتبه می‌توان به پیام‌هایی مثال زد که کاربر در شبکه‌های اجتماعی (فیلترشده یا نشده) می‌گذارد و افراد خاصی را برای دیدن آنها انتخاب می‌کند. در این مثال، از دو حیث، در صدق حریم خصوصی، شک وجود دارد: اول از این حیث که کاربر، مالک هیچ چیز از پیام خود نیست و شبکه با تمام امکاناتش، ملک تولیدکننده آن است و تولیدکننده وعده‌هایی به صورت یک‌جانبه در مدیریت آن داده است. اگر تولیدکننده شبکه، پیام او را بخواند، آیا فقط خلف وعده کرده است؟ یا علاوه بر آن، به حریم خصوصی کاربر نیز تجاوز کرده است؟ دوم از این حیث که اگر حکومت مشروع، آن شبکه را فیلتر کرده باشد، شرکت سرویس‌دهنده اینترنت، استفاده از این شبکه را ممنوع کرده است، پس این شبهه پیش می‌آید که آیا با وجود فیلتر شدن آن شبکه، قانون، حریم خصوصی کاربر را برای آن شرکت یا برای حکومت، محترم دانسته است؟

در تعریفی که از حریم خصوصی در لایحه حمایت از حریم خصوصی بیان شد، شخص می‌تواند قلمروی را از قبل، حریم خصوصی خود اعلام کند و پس از اعلام او، این حریم برای او محترم می‌شود. اگر کسی این مورد از حریم خصوصی را معتبر بداند،



می تواند مثال یادشده را شکستن حریم خصوصی بشمارد؛ والا اعتبار آن محرز نیست و نمی توان خواندن آن را حرام دانست. از دیدگاه نویسنده، اگر آن قلمروی که شخص از قبل، آن را حریم خصوصی اعلام می کند، عرفاً حریم خصوصی نباشد و شرع و قانون نیز آن را تأیید نکرده باشد، علن و ملأ و خارج از حریم خصوصی محسوب می شود و ادله حرمت تجسس، شامل آن نمی شود.

با این بیان، معلوم می شود شبهاتی که در مسئله جواز جمع آوری اطلاعات از حریم خصوصی اشخاص مطرح است، به دو دسته تقسیم می شود: دسته نخست، شبهاتی است که درباره حکم اولی آن است از این حیث که اصلاً حریم خصوصی بودن آن مشتبه است؛ دسته دوم، درباره حکم ثانوی آن است از این حیث که صدق عنوان ثانوی و جریان قواعد مجوز در آن مشتبه است. موضوع شناسی، شبهه اول را مرتفع می کند و حکم شناسی، شبهه دوم را.

۲. جمع آوری اطلاعات اجمالی و تفصیلی

یکی از تقسیماتی که باید در جمع آوری اطلاعات اضافه شود، تقسیم آن به جمع آوری اجمالی و تفصیلی است. (۱) این تقسیم از زمانی که جایگاه هوش مصنوعی در پردازش اطلاعات قوت گرفت، خود را نشان داد. در این پردازش، انسان حقیقی، پردازش نمی کند؛ بلکه این نرم افزار است که اطلاعات را طبقه بندی و پردازش می کند.

برای توضیح این تقسیم و کارایی آن در حکم تجسس حکومت، باید دو حکم را از باب مقدمه پیش فرض بگیریم: اول این که تجسس در اطلاعات شخصی افراد که ربطی به امنیت جامعه ندارد، حرام است. مانند این که حکومت، نامه خانوادگی کسی را که با همسرش یا فرزندش به صورت الکترونیکی (رایانه ای) و قانونی رد و بدل کرده، بدون رضایت آنها بخواند. خواندن چنین نامه ای مانند باز کردن نامه کاغذی او است و حریم خصوصی او را شکسته است. دوم این که تجسس از حریم خصوصی جاسوسان دشمن خارجی و یا از حریم خصوصی دشمنان داخلی حکومت برای خشی کردن آنها و حفظ امنیت جامعه اسلامی (یعنی ضداطلاعات)، جایز است. حتی اگر کسی با قرائن عقلایی،

مظنون به جاسوسی است و جاسوسی او هنوز محرز نشده، حکومت می‌تواند نامه او را بخواند (وقتی گفته می‌شود حکومت می‌تواند در حریم خصوصی مظنون به جاسوسی وارد شود، یعنی مأموران با اذن حاکم شرع می‌توانند چنین کنند).

با پیش‌فرض گرفتن این دو حکم، حکم مصادیق روشن آن معلوم است. یعنی اگر می‌دانیم نامه‌ای کاملاً شخصی است، خواندن آن حرام است و اگر می‌دانیم نامه‌ای برای توطئه و جاسوسی است یا مظنون به آن است، خواندن آن با اذن حاکم، جایز است.

سؤال این است که حکومت نمی‌تواند منتظر بماند تا به صورت اتفاقی، به محتوای جاسوسی یک نامه علم پیدا کند یا قرائنی به صورت اتفاقی پیدا شود که نامه‌ای را مظنون به جاسوسی کند تا مجوز خواندن آن را بیابد. آیا راهی هست که بتواند خودش بدون انتظار اتفاق، به دنبال نامه‌های جاسوسی بگردد؟ بی‌شک باید برای این کار، تمامی نامه‌ها را بخواند تا نامه‌های جاسوسی را بیابد؛ اما با این کار، نامه‌های شخصی و غیر جاسوسی را نیز خوانده و عمل حرام را مرتکب شده است. چه باید کرد؟ آیا راهی هست؟

هوش مصنوعی در این جا به کار می‌آید و بدون دخالت انسان حقیقی، تمامی نامه‌ها را می‌خواند و آنها را پردازش و طبقه‌بندی می‌کند و نامه‌های مظنون به جاسوسی و توطئه را از میان آنها جدا می‌کند. از این جا به بعد، انسان حقیقی می‌تواند فعالیت ضد جاسوسی خود را به صورت مباح (به معنای اعم) آغاز کند. در این حالت، هیچ انسانی از محتوای نامه‌های غیر مظنون به جاسوسی مطلع نشده است. این مانند آن است که پاکت‌های نامه (در نامه‌های کاغذی) به گونه‌ای باشند که با قرار گرفتن نامه جاسوسی در آن، رنگ عوض کند و به صورت قرمز درآید و یا فرض شود محتوای جاسوسی، باعث ایجاد بوی خاصی در نامه شود و حکومت با سگ‌های تربیت شده‌ای همه نامه‌ها را بررسی کند و نامه‌های دارای آن بو را شناسایی کند. آن گاه حکومت پاکت‌های قرمز را یا پاکت‌های بودار را باز کند. توزیع چنین پاکت‌هایی یا به کارگیری چنین سگ‌هایی - حتی به صورت مخفیانه و بدون اطلاع مردم - باعث نمی‌شود هیچ حریم خصوصی محترمی شکسته شود.

در این نوع جمع‌آوری اطلاعات، گرچه همه پیام‌ها بررسی می‌شوند، نتیجه آن، فقط شناسایی پیام‌های مظنون به جاسوسی است و محتوای - و حتی نوع محتوای - هیچ نامه دیگری آشکار نمی‌شود. در واقع، تجسسی در دیگر پیام‌ها صورت نگرفته است.

بدین طریق، حکومت می‌تواند تمامی پیام‌های الکترونیکی مردم را بدون دخالت انسان بخواند و پیام‌های مظنون به جاسوسی را جدا کند. در این نوع خواندن، در واقع تجسسی در حریم خصوصی کسانی که تجسس در حریم آنها حرام است، صورت نگرفته است.

می‌توان نام این نوع جمع‌آوری اطلاعات را جمع‌آوری اجمالی گذاشت؛ تعبیر اجمالی در برابر جمع‌آوری تفصیلی است که حکومت از محتوای همه پیام‌ها به طور کامل اطلاع پیدا می‌کند.

گفته نشود بدون طی مرحله جمع‌آوری اجمالی نیز اگر حکومت یقین داشته باشد در میان نامه‌های مردم نامه‌های جاسوسی نیز وجود دارد، خواندن تمامی نامه‌های مردم به طور تفصیلی برای یافتن نامه‌های جاسوسی، از باب تراحم و تقدیم اهم بر مهم، جایز است؛ چون وجوب خواندن نامه جاسوسی، مهم‌تر از حرمت خواندن نامه غیر جاسوسی است.

زیرا در پاسخ می‌توان گفت: آنچه گفته‌اید، بر حصول یقین و وقوع تراحم متوقف است، ولی انجام جمع‌آوری اطلاعات به شکل اجمالی، بر حصول یقین و تراحم یادشده، متوقف نیست و اصلاً با خواندن اجمالی پیام‌ها توسط غیرانسان، حرامی صورت نگرفته است.

۳. بررسی ادله لفظی حرمت تجسس در حریم خصوصی مردم از سوی حکومت

حق حریم خصوصی و ممنوعیت تعدی به آن، در فقه با همین عنوان طرح نشده است بلکه عناوین دیگری در فقه وجود دارد که برخی از مصادیق حرمت یا جواز تعدی به حریم خصوصی است و از مجموع آنها می‌توان گستره حریم خصوصی و میزان احترام آن در اسلام را دریافت.

اولین مسئله در مستندات حکم حرمت تجسس در حریم خصوصی، اصل عدم

ولایت است. ورود به حریم خصوصی شخص، از سنخ تصرف در آن چیزی است که در اختیار و سلطه خود آن شخص است (۲) و ورود در آن، نیازمند ولایت است و ولایت تا برای کسی جعل نشده باشد، استصحاب عدم ولایت، محکم است (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۵۶).

علاوه بر اصل عدم ولایت، آیات و روایات فراوانی نیز بر حرمت تجسس و تتبع عورات مؤمنین یا مسلمین دلالت دارد. حتی روایاتی وجود دارد که منع از استراق سمع را به حریم خصوصی محدود نکرده است و صرف کراهت طرف مقابل را در آن، کافی دانسته است.

از سوی دیگر، ادله‌ای نیز بر جواز (به معنای اعم) تجسس دلالت دارد که برخی از آنها مربوط به زندگی شخصی است، مانند نقل تجسس امام معصوم از احوال کنیز و عبد خود (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۳۱، ح ۱۲۳۰) یا تجسس امام معصوم از احوال همسرش؛ (۳) و برخی مربوط به تجسس حکومت است، مانند تجسس معصوم در منصب قضا از احوال شاهدان در قضا (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۷: ۲۳۹، باب ۶)؛ تجسس معصوم از احوال قبائل و بلاد داخل حکومت اسلامی که با عنوان عریف شناخته می‌شود (علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱: ۲۸۹ - ۲۹۹) تجسس از کار کارگزاران حکومت (رضی، ۱۴۱۲، نامه ۵۳) و نظامیان (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳۳).

این مقاله درباره اصل سلطنت انسان‌ها بر امور خود و اصل اولی عدم ولایت و نیز درباره ادله جواز - چه ادله‌ای که در جواز تجسس در زندگی شخصی است و چه آنچه مربوط به شئون حاکم است - سخن جدیدی ندارد و از آن بحث نمی‌کند؛ اما از دلالت ادله نقلی حرمت تجسس و از ارتباط مجموع ادله سخن می‌گوید.

در این جا برخی از این ادله لفظی را طبق آنچه دیگران به آنها استناد کرده‌اند، (۴) نقل و بررسی می‌کنیم. تقسیم‌بندی زیر بر اساس نقدی است که در دلالت این ادله بر حرمت تجسس حکومت در حریم خصوصی افراد می‌شود:

این ادله را می‌توان به سه قسم تقسیم کرد:

قسم نخست: آنچه شمولش نسبت به تجسس حکومت، ممنوع یا مرجوح یا مشکوک است

در این قسم ادله، نکاتی وجود دارد که تقویت کننده عدم شمول آن نسبت به تجسس حکومت از حریم خصوصی مردم در مسائل امنیتی و مانند آن است. این ادله عبارتند از:

۱. آیه مبارکه (یا ایها الذین آمنوا، اجتنبوا كثيراً من الظن، إن بعض الظن إثمٌ ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً، أیحبُّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکفره ثموه) (حجرات: ۱۲)؛ این آیه با توجه به تمثیلی که در آن است و با توجه به خطاب لا یغتب که مربوط به (یا منصرف به) رفتار فردی است، به تجسس میان افراد انصراف دارد و شمول آن نسبت به تجسس حکومت، محرز نیست.

۲. روایت ابوهریره از نبی اکرم ﷺ: «ایاکم و الظن، فإن الظن أكذب الحديث. و لا تحسسوا و لا تجسسوا و لا تناجسوا و لا تحاسدوا و لا تباغضوا و لا تدابروا و کونوا عباد الله إخوانا» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶: ۱۳۶ - ۱۳۷)؛ در این روایت، ترکیب تباغض با تحسس و تجسس و نیز فراز اخیر که می گوید «همه، بندگان خدا و برادر باشید»، سبب اشعار و بلکه ظهور در روابط فردی بین افراد و در زمره روایات اخلاقی شده است، به گونه ای که قابلیت استناد برای اثبات حرمت تجسس حکومت را ندارد.

۳. روایت محمد بن فضیل از امام موسی بن جعفر علیه السلام: «قلت له: جعلت فداك! الرجل من إخوانی بلغنی عنه الشیء الذی أکرهه فأسأله عنه فینکر ذلك و قد أخبرنی عنه قوم ثقات؟ فقال لی: یا محمد، کذب سمعک و بصرک عن أخیک. و إن شهد عندک خمسون قسامة و قال لك قولاً فصدقه و کذبهم و لا تدیعن علیه شیئاً تشینه به و تهدم به مروته فتکون من الذین قال الله عز و جل: إن الذین یحبون أن یشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب ألیم» (صندوق، ۱۳۶۸: ۲۴۷) این روایت، اولاً حکم تجسس را بیان نکرده است؛ حتی پرس و جوئی که راوی از برادر خود کرده نیز مصداق تجسس نیست؛ بلکه حکمی که در آن وجود دارد، حکم اشاعة فحشا است. ثانیاً راوی حدیث، هیچ منصب حکومتی ندارد و با تعبیر «الرجل من إخوانی» ظهور در روابط فردی پیدا می کند. ثالثاً عدم ترتیب اثر با وجود «خمسون قسامة»، کاملاً روایت را فردی می کند.

۴. روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: قال رسول الله ﷺ: يا معشر من أسلم بلسانه و لم يخلص الإيمان إلى قلبه، لا تدموا المسلمين و لا تتبعوا عوراتهم، فإنه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته و من تتبع الله - تعالى - عورته يفضحه و لو في بيته» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۴). این روایت مشتمل بر نهی است، اما به قرینه صدر روایت که اشاره به خلوص ایمان دارد و ذیل آن که آثار خارجی تتبع را بیان کرده، در توصیه اخلاقی ظهور دارد و به آن آثار ارشاد دارد و نمی توان از آن، حکم حرمت را نتیجه گرفت. به فرض هم بر حرمت دلالت داشته باشد، سیاق آن با رفتار میان افراد، سازگار است و شامل حکومت که در دست خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده، نمی شود.

۵. روایت محمد بن مسلم یا حلبی از امام صادق علیه السلام: «قال: قال رسول الله ﷺ، لا تطلبوا عثرات المؤمنین، فإن من تتبع عثرات أخیه تتبع الله عثراته و من تتبع الله عثراته يفضحه و لو في جوف بيته» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۵). دلالت این روایت نیز مانند روایت سابق است با این تفاوت که قرینه صدر روایت، در آن نیست.

۶. روایت ابی برزّه أسلمی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله: «قال رسول الله ﷺ یا معشر من آمن بلسانه و لم يدخل الايمان في قلبه لا تغتابوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم فان من اتبع عورة أخیه المسلم اتبع الله عورته و فضحه و هو في بيته» (بیهقی، بی تا، ج ۱۰: ۲۴۷).

۷. روایت ابی بصیر از امام باقر علیه السلام: «عن ابی جعفر علیه السلام، قال: قال رسول الله ﷺ: «یا معشر من أسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه، لا تتبعوا عثرات المسلمين، فإنه من تتبع عثرات المسلمين تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته يفضحه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۵).

دلالت این سه روایت مانند روایت قبل است و بعید نیست یک سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در آنها نقل شده باشد و اختلاف تعابیر، از راویان آن باشد.

۸. روایت حضرت علی علیه السلام: «من بحث عن أسرار غیره أظهر الله أسراه» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۷۱، حکمت ۸۷۹۹).

۹. روایت حضرت علی علیه السلام: «من كشف حجاب أخیه انكشف عورات بيته» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۷۱، حکمت ۸۸۰۲).

این دو روایت بر حرمت، دلالت ندارند و لسان آنها ارشاد به نتیجه عمل است.

گذشته از این که روایت دوم در اشاعه ظهور دارد و به هر حال، ظاهر کلام در روابط میان افراد است.

۱۰. روایت زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام: «قال: أقرب ما يكون العبد إلى الكفر أن يواخي الرجل الرجل على الدين فيحصى عليه زلّاته ليعيره بها يوماً ما» (ابن ادریس حلی، ۱۴۲۹: ۲۷۰). این روایت نیز دربارهٔ اخوان است و ظهور در روابط میان افراد جامعه دارد.

قسم دوم: آنچه شمول دلالتش بر حرمت تجسس حکومت به اطلاق است

این قسم، هم شامل روابط فردی می‌شود و هم شامل رفتار حکومت:

۱. روایت ابن عباس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله: «إنه نظر إلى الكعبة فقال: ما أعظم حرمتك وما أعظم حقلك، والمسلم أعظم حرمة منك، حرم الله ماله، وحرم دمه وحرّم عرضه وأذاه، وأن يظن به ظن سوء» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۶: ۴۰۱). فراز اول این روایت شامل حکومت می‌شود؛ زیرا خطاب در آن وجود ندارد و حکم با قطع نظر از فاعل آن، مستقیماً روی فعل رفته است؛ اما ربطی به تجسس ندارد؛ زیرا صرف تجسس بدون این که عناوین دیگر مانند هتک عرض و افشای معایب و اذیت و ظن سوء همراه آن شود، تعرض به عرض مسلم نیست. بنابراین نمی‌تواند از مستندات حرمت تجسس باشد؛ مگر این که گفته شود صرف اطلاع از معایب مسلم، هتک عرض او است؛ که چنین نیست. عنوان اذیت نیز در نقل این سخن از ابن حازم (به جای ابن عباس) از آن حضرت نیامده است (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۲۹۶-۲۹۷).

۲. مرسلهٔ ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام: «من قال فی مؤمن ما رأته عیناه و سمعته أذناه فهو من الذین قال الله عزّ وجلّ: (إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (نور: ۱۸)» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۷). این روایت و آیه، به اشاعهٔ اسرار مربوط است، نه صرف تجسس و نیز به اشاعهٔ فاحشه مربوط است، نه اشاعهٔ مطلق اسرار.

۳. روایت عبدالله بن سنان، «قال: قلت له: عورة المؤمن على المؤمن حرام؟ قال: نعم. قلت: تعني سفليها؟ قال: ليس حيث تذهب، إنما هي إذاعة سرّه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲:

۳۵۸). این روایت گرچه به دلیل عدم خطاب و آمدن حکم برای ذات فعل، اطلاق داشته باشد، اولاً آمدن دو مؤمن در روایت، می تواند به روابط فردی انصراف داشته باشد؛ ثانیاً صرف تجسس را در بر نمی گیرد و مربوط به فاش کردن سرّ مؤمن است.

۴. روایت امیر مؤمنان علیه السلام: «تتبع العورات من أعظم السوءات» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۱۷، حکمت ۴۵۸۰) و نیز: «تتبع العیوب من أفصح العیوب و شرّ السیئات» (همان: حکمت ۴۵۸۱). این دو روایت - که به یک مضمون هستند - اطلاق دارند؛ زیرا وقتی تقبیح عمل با قطع نظر از فاعل آن صورت گرفته و خطابی در آن وجود ندارد، معلوم می شود ذات عمل قبیح است؛ ولی بدون سند است و مرسل به شمار می آید.

۵. روایت امیرالمؤمنین علیه السلام: «شرّ الناس من لا یعفو عن الزلة و لا یستر العورة» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۷۵، حکمت ۵۷۳۵). این روایت گرچه اطلاق دارد و شامل حاکم اسلامی نیز می شود، علاوه بر مشکل سندی در دو روایت بالا با دو مشکل دلالی نیز مواجه است: اول این که به قرینه فراز نخست، در زمره روایات اخلاقی قرار می گیرد و حرمت از آن فهمیده نمی شود؛ زیرا می دانیم عفو از لغزش، واجب نیست و تعبیر «شرّ الناس» در آن، به نکته اخلاقی اشاره دارد؛ دیگر آن که به اذاعه عیوب مربوط است، نه صرف تجسس از عیوب.

۶. روایت امیرالمؤمنین علیه السلام: «سوء الظن یفسد الأمور و یبعث علی الشرور» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۳۲، حکمت ۵۵۷۵).

۷. روایت حسین بن منذر از امام صادق علیه السلام: «قال: سمعته یقول: ثلاثة یعدّون یوم القيامة (إلی أن قال): والمستمع بین قوم وهم له کارهون یصب فی أذنیه الآنک» (خالد برقی، ۱۳۳۰، ج ۲: ۶۱۶).

۸. روایت ابن عباس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله: «من استمع إلی حدیث قوم و هم له کارهون یصبّ فی أذنیه الآنک یوم القيامة» (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۰۹).

۹. روایت ابن عباس و برخی دیگر از صحابه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله: «إنّ الله - تبارک و تعالی - قد حرّم دماءکم و أموالکم و أعراضکم إلاّ بحقّها کحرمة یومکم هذا فی بلدکم هذا فی شهرکم هذا، ألا هل بلغت؟» (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶، ج ۳۱: ۹۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹،

قسم سوم: آنچه شمولش بر تجسس حکومت به صراحت است

دلالت این قسم از ادله بر شمول نسبت به حکومت، به صراحت است؛ اما این که آیا حکم حرمت تجسس به طور مطلق از آن برداشت می شود یا خیر، در هر دلیلی بحث خواهد شد.

۱. نامه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر: «و لیکن أبعد رعیتک منک و أشناهم عندک أطلبهم لمعایب الناس، فإنّ فی الناس عیوبا الوالی أحقّ من سترها، فلا تکشفن عمّا غاب عنک منها، فإنّما علیک تطهیر ما ظهر لك و الله یحکم علی ما غاب عنک فاستر العورة ما استطعت یستر الله منک ما تحبّ ستره من رعیتک» (رضی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۸۶، نامه ۵۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۸). حضرت در این فراز از نامه، در سه مرحله، حاکم را از تجسس منع کرده است که هر یک نسبت به مرحله قبل، شدت بیش تری دارد: جمله آغازین این فراز به دوری از تجسس کنندگان امر کرده است. سپس حاکم را سزاوارترین فرد به پوشاندن عیوب دانسته و در نهایت به تطهیر عیوب ظاهر مردم امر کرده است؛ اما ظاهر این تعابیر آن است که مراد از عیوب، عیوب شخصی است و شامل عیوبی نمی شود که به امنیت جامعه بازمی گردد. شاهد آن، فراز پایانی است که می گوید عیوب را پوشان تا خدا آنچه را دوست داری از رعیت پوشیده بماند، پوشاند. این تعبیر با عیوب شخصی، سازگار است.

۲. روایت اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که مردی نزد او به زنا اقرار کرده بود، فرمود: «أیعجز أحدکم إذا قارف هذه السیئة أن یستر علی نفسه کما ستر الله علیه؟ ... فإن لم تعد إلینا لم نطلبک» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۱). وقتی شخص مرتکب گناه، بهتر است عیب خود را پوشاند، پرده برداری دیگران از آن گناه، به طریق اولی مرجوح است؛ گذشته از این که حضرت پس از اقرار سومی که او انجام می دهد، به او می فرماید برو و اگر برای اقرار چهارم بازنگردی ما به دنبال تو نخواهیم آمد. بنابراین دلالت این روایت بر عدم مسئولیت حکومت در این باره، ثابت است؛ اما ضعف دلالتی این روایت

آن است که به گناهان شخصی از سنخ گناه نام‌برده اختصاص دارد و روایات دیگری نیز به همین مضمون دربارهٔ این سنخ از گناهان وجود دارد که تصریح بیش‌تری نیز در شمول آن نسبت به حکومت دارد؛ مانند روایتی که دربارهٔ خبر دادن عمل خلاف عفتی است که در خرابه‌ای در حال انجام بوده و رسول اکرم ﷺ حضرت علی رضی الله عنه را می‌فرستد و آن حضرت با سروصدا وارد خرابه می‌شود تا اگر آن خبر راست بوده، مرتکبان آن عمل، امکان فرار داشته باشند. آن‌گاه رسول اکرم ﷺ عمل حضرت علی رضی الله عنه را تقریر فرمود. پس با احتمال عقلایی اختصاص این روایات به این‌گونه از گناهان شخصی، امکان سرایت حکم آن به مسائل امنیتی و عمومی نیست و نمی‌توان از این روایت، برای تجسس حکومت در غیر این‌گونه گناهان، حکمی استنتاج کرد.

۳. روایت زید بن وهب: «أتی ابن مسعود فقیل: هذا فلان تقطر لحيته خمرًا، فقال عبدالله: إنا قد نهينا عن التجسس، ولكن إن يظهر لنا شيء نأخذ به» (سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۵۳ - ۴۵۴، ح ۴۸۹۰؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳۴). در این روایت، تلقی عبدالله بن مسعود از نهی از تجسس، این است که شامل حکومت نیز می‌شود. اگر این تلقی را به شاهد این که اطرافیان او مخالفت نکردند، یک تلقی عام بدانیم، می‌تواند در استظهار از آن ادله مؤثر باشد؛ گرچه فعل و قول ابن مسعود فی حد نفسه، حجت نباشد؛ زیرا این فهم عام از فضای ارتکازات زمان نصوص نشان دارد. چنین استدلالی در روایتی نیز که از تجسس خلیفهٔ دوم از حریم خصوصی یک فرد و فهم او و همراهش از آیه «ولاتجسسوا» نقل شده، قابل تطبیق است (بیهقی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳۳)؛ گرچه نه تلقی آن صحابی فی حد نفسه حجت است و نه تسلیم خلیفهٔ دوم به آن؛ اما به هر حال، مشکل این روایت، عدم صحت سند آن است.

۳. روایت راشد بن سعد از معاویه: «قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: إنك إن اتبعت عورات الناس أفسدتهم أو كدت أن تفسدهم» (سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۵۳، ح ۴۸۸۸؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳۳؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۷۲ - ۷۳؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۱۹: ۳۷۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۷۷۶).

در دلالت این نبوی، نخست سه احتمال وجود دارد:

احتمال نخست آن که آن حضرت با این بیان، آثار سوء تجسس از عورات مردم از سوی حکومت را - با تطبیق بر حکومت معاویه - بیان کرده باشد. بنا بر این احتمال، دلالت روایت بر شمول حرمت تجسس بر حکومت (از حیث شبهه تطبیق آن بر حکومت معاویه) اثبات می‌شود؛ زیرا این آثار سوء بر اصل تجسس حکومت از عورات مردم ثابت است و محل تطبیق این تجسس فقط معاویه بوده است.

احتمال دوم این که عتاب حضرت نسبت به تجسس معاویه موضوعیت داشته باشد؛ بدین معنا که تجسس در حکومت نامشروع او چنین آثاری دارد و حضرت در مقام بیان این نیست که آیا تجسس در حکومت مشروع نیز ممنوع است و این آثار را دارد.

احتمال سوم این که روایت در مقام بیان حکم شرعی نیست، بلکه به یک واقعیت خارجی ارشاد می‌کند و آن این که تجسس از عورات مردم پاک به غرض جست‌وجوی عیبی که در آنان نیست، آنان را به فساد می‌کشاند. این به دلیل آن است که مردم تا زمانی که آن عیب را ندارند، خود را از آن، پاک نگه می‌دارند تا عار آن دامن‌گیرشان نشود؛ ولی وقتی ببینند که حکومت آنها را به آن عیب متهم می‌داند و از وجود آن عیب در آنان تجسس می‌کند، ممکن است دیگر انگیزه‌ای برای پاک نگه داشتن خود از آن نبینند.

به نظر نویسنده، احتمال سوم به الفاظ روایت نزدیک‌تر است و روایات مشابه دیگری در منابع شیعی درباره غیرت بی‌جا درباره همسر پاکدامن وجود دارد که به همین مضمون اشاره دارد.

امام علی علیه السلام به فرزند خود امام حسن علیه السلام چنین سفارش فرمود:

«از غیرت‌ورزی در غیر جای غیرت پرهیز؛ زیرا این کار زن سالم را به بیماری [و پاکدامن را به گناه] (۵) می‌کشاند. به جای آن، امر زنان را محکم کن و اگر آن‌گاه عیبی مشاهده کردی، در مؤاخذه بر عیب کوچک و بزرگ تعجیل کن و اگر گناه از آنان دیدی، آن‌گاه است که گناه، بزرگ می‌شود و عتاب آسان» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۳۷). (۶)

این روایت گرچه درباره رابطه مرد با زوجه‌اش وارد شده است اما حکمتی که در آن وجود دارد، به آن اختصاص ندارد و درباره غیرت بی‌جای حکومت نسبت به مردم

نیز قابل تطبیق است.

با این حال اگر این معنا از روایت را بپذیریم، تجسس حکومت در جایی مردم را به فساد می‌کشانند که به بی‌اعتمادی میان حکومت و مردم بینجامد؛ یعنی مردم احساس کنند که حکومت به آنها اعتماد ندارد و از این حیث احساس ناامنی کنند؛ ولی اگر چنین احساسی برای مردم پدید نیاید و حکومت بتواند مثلاً در موردی خاص (نه به طور مداوم و معمول) برای مسائل امنیتی با توجیه مناسب افکار عمومی، تجسسی انجام دهد که چنین احساسی پدید نیاید، آن روایت، ممنوع‌کننده چنین تجسسی نخواهد بود؛ مثلاً اگر ما به عنوان کبروی، تجسس در پیام‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی را تجسس در حریم خصوصی آنان و حرام بدانیم و این تجسس را در شرایط عادی موجب پدید آمدن احساس ناامنی و در نتیجه، طبق روایت مذکور باعث فساد مردم بشماریم، می‌توانیم فرض کنیم که اگر در زمانی، عده‌ای به صورت گسترده (ولی در حد اقلیت جامعه) در این شبکه‌های اجتماعی مبارزه با نظام اسلامی را طراحی کنند و حکومت بتواند با توجیه افکار عمومی، تجسس گسترده در این شبکه‌ها را امری معقول نشان دهد، تبعات مذکور در این روایت، بر چنین تجسسی مترتب نخواهد شد.

به هر حال وجود این احتمالات، به اضافه ضعف سندی، این روایت را از قابلیت استناد ساقط می‌کند.

۴. روایت جبیر بن نفیر و کثیر بن مرة و عمرو بن أسود و مقدم بن معدی کرب و ابي امامة از نبي اکرم ﷺ: «إن الأمير إذا ابتغى الريبة في الناس أفسدهم» (سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۵۳، ح ۴۸۸۹؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳۳).

این روایت نیز سند شیعی و صحیح ندارد و دلالتش مانند احتمال سوم، در روایت پیشین است.

از مجموع این نقد و بررسی‌ها به دست می‌آید که اطلاق ادله لفظی حرمت تجسس نسبت به تجسس حکومت از حریم خصوصی افراد برای تأمین امنیت و مانند آن، با دو مانع مواجه است: یکی از حیث انحصار آنها به روابط فردی بین افراد و دیگری از حیث انحصار به گناهان و ردائل اخلاقی شخصی. با وجود چنین موانعی، اصلاً این ادله،

تجسس متعارف حکومت از حریم خصوصی مردم را که به منظور حفظ امنیت عمومی صورت می‌گیرد، در بر نمی‌گیرند و بیش‌ترین دلالتی که در این زمینه دارد، به این مربوط است که چنین تجسسی اگر با احساس ناامنی مردم و تلقی بدبینی حکومت نسبت به مردم همراه باشد، باعث مفساد مهمی است. همه اینها با قطع نظر از ادله جواز (به معنای اعم) تجسس حکومت است که قبلاً (۷) به آنها اشاره شد.

۴. ارتباط ادله

این عنوان برای مخاطب آگاه به اصطلاحات اصول فقه و مطلع از نوع ادله حریم خصوصی نوشته شده است؛ زیرا توضیح تفصیلی آن خارج از حوصله یک مقاله است. برای بیان ارتباط ادله موجود در باب تجسس - که حکم نتیجه‌گیری را نیز در این نوشتار دارد - دو مطلب بیان می‌شود:

۱. قواعد و ادله قابل استناد در این مسئله عبارتند از: ۱. اصل اولی عدم ولایت احدی بر احدی؛ ۲. حق سلطنت مردم بر خود و حق حریم خصوصی و حرمت تصرف در حریم خصوصی؛ ۳. ادله خاص در حرمت تجسس؛ ۴. ادله خاص در جواز تجسس در موارد خاص؛ ۵. قاعده وجوب حفظ نظام؛ ۶. قاعده اهم و مهم؛ ۷. قاعده الضرورات تبیح المحظورات. سه دلیل نخست، برای منع فعالیت اطلاعاتی در حریم خصوصی افراد، به حکم اولی به کار می‌رود و سه دلیل اخیر، برای جواز آن به عنوان ثانوی و امر ادله قسم چهارم (ادله خاص جواز) منوط به آن است که ادله قسم سوم (ادله خاص حرمت) را مطلق بدانیم یا نه. اگر ادله حرمت را مطلق ندانستیم، ادله جواز نیز حکم اولی را بیان می‌کنند و نسبت آنها با ادله خاص حرمت، تباین خواهد بود؛ یعنی مصداق مشترک ندارند و هر یک، حکم موضوع خود را شامل می‌شوند؛ ولی اگر ادله حرمت را مطلق دانستیم، تقدیم ادله جواز بر آنها، یا از باب تقیید مطلق است، یا از باب ورود (۸) در حالت تراحم. تقدیم از باب تقیید مطلق بیانگر حکم اولی و تقدیم از باب ورود در باب تراحم، بیانگر حکم ثانوی می‌باشد. توضیح آن که اگر ادله خاص جواز را تطبیق یکی از عناوین ثانوی (مانند وجوب حفظ نظام) از سوی معصوم بدانیم و بگوییم معصوم در قول

یا فعل خود در مقام تطبیق آن عنوان ثانوی بوده، در این حالت تقدم آن قول یا فعل بر اطلاق ادله حرمت از باب ورود در باب تزاحم خواهد بود؛ اما اگر قول و فعل معصوم را در ادله جواز، صادر از مقام تطبیق ندانستیم بلکه صادر از شأن بیان دین دانستیم، در این حالت، تقدم ادله جواز از باب تقیید مطلق خواهد بود.

برای توضیحات بیش تر این مطالب و در ک مقدمات آن، باید به مباحث تزاحم در علم اصول (مانند هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۶۱ - ۶۷) و مباحث شئون معصوم در فلسفه اصول (مانند ضیائی فر، ۱۳۹۲: ۶۴۹ - ۶۹۸) رجوع کرد.

۲. اگر ادله لفظی حرمت تجسس، اطلاق نداشته باشد و فقط تجسس خاصی را حرام کرده باشد، خروج موارد جواز تجسس از آنها خروج تخصصی خواهد بود، اما این باعث نمی شود حکم جواز در آن، مطابق اصل برائت باشد؛ زیرا تجسس در حریم خصوصی حتی در موارد جواز، نیازمند ولایت است و تا ولایت ثابت نشده باشد، اصل بر عدم ولایت است. بنابراین حتی بنا بر عدم اطلاق ادله حرمت تجسس، باز جواز تجسس نیازمند دلیل است. آن گاه این مسئله پیش می آید که در موارد جواز تجسس، در جایی که تجسس کننده ولایت ندارد، نیازمند اذن کسی است که ولایت دارد. در تجسس پدر و مادر نسبت به فرزند، یا شوهر نسبت به همسرش، که ولایت آنها بر تربیت به ادله خاص یا به دلیل (قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً) (تحریم: ۶) ثابت است، همان ولایت، برای تجسس - در خصوص مواردی که تربیت یا حفظ از عذاب، بر آن متوقف است - کافی است و در غیر این موارد، اذن حاکم شرع، بنا بر مبنای ولایت فقیه لازم است.

نتیجه گیری

۱. حکم دو مورد از جمع آوری اطلاعات روشن است: الف) جواز جمع آوری اطلاعات از دشمن خارجی، از جاسوسان آنان در داخل حکومت اسلامی یا مظنونان به جاسوسی و توطئه؛ ب) حرمت جمع آوری اطلاعات در حریم خصوصی شهروندان حکومت اسلامی در مواردی که ارتباطی با امنیت و مصالح جامعه ندارد.

۲. جمع آوری گسترده اطلاعات از حریم خصوصی افراد جامعه حتی بدون ظن به

دخول آنها در دو مورد اول، به صورت اجمالی جایز است.

۳. ادله لفظی ای که در حرمت تجسس وارد شده، به سه دسته تقسیم می‌شود: اکثر آنها به روابط بین افراد مربوط است و شامل تجسس حکومت نمی‌شود؛ شمول برخی از آنها نسبت به تجسس حکومت مشکوک و شمول برخی دیگر روشن است؛ اما این دو دسته اخیر نیز یا منصرف به تجسس در گناهان شخصی است و یا ارشاد به مفاسد تجسس از بی‌گناهان است. بنابراین ادله لفظی حرمت تجسس نمی‌تواند به طور مطلق، تجسس حکومت برای حفظ امنیت را حرام کند.

۴. ادله خاصی در جواز تجسس حکومت از کارگزاران و قضات و شاهدان در قضا وجود دارد. وجوب حفظ نظام نیز می‌تواند به عنوان ثانوی و تقدیم اهم بر مهم، تجسس را جایز کند.

۵. اگر ادله لفظی حرمت را مطلق ندانستیم ادله جواز نیز حکم اولی را بیان می‌کنند؛ ولی اگر ادله حرمت را مطلق دانستیم، تقدیم ادله جواز بر آنها، یا از باب تقييد مطلق است، یا از باب ورود در حالت تراحم. تقدیم از باب تقييد مطلق، بیانگر حکم اولی و تقدیم از باب ورود در باب تراحم، بیانگر حکم ثانوی می‌باشد.

۶. اگر ادله لفظی حرمت تجسس اطلاق نداشته باشد، خروج موارد جواز تجسس از آنها خروج تخصصی خواهد بود، اما این باعث نمی‌شود حکم جواز در آن، مطابق اصل برائت باشد؛ زیرا تجسس در حریم خصوصی حتی در موارد جواز، نیازمند ولایت است و تا ولایت ثابت نشده باشد، اصل بر عدم ولایت است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نویسنده این تقسیم را در منبعی نیافته است.
۲. مستفاد از مدلول التزامی آیه ۶ سورة احزاب (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)؛ که به قاعده «الناس مسلطون علی أنفُسهم» معروف است.
۳. مانند روایتی که درباره تجسس امام باقر علیه السلام از همسر شیبانیه خود است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۵۱) و مانند روایتی که در شأن نزول آیه افک عایشه به ماریه قبطیه وارد شده است (ر.ک: علی بن ابراهیم ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۹). عامه، شأن نزول آیه را درباره خود عایشه می‌دانند نه ماریه قبطیه.
۴. مانند آنچه در کتاب «دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية» و کتاب «تجسس در حریم خصوصی افراد در فقه امامیه»، انجام گرفته است.
۵. در نهج البلاغه، ج ۳: ۵۶ - ۵۷: «وإياك والتغایر في غير موضع غیرة فإن ذلك يدعو الصحیحة إلى السقم والبریئة إلى الريب.»
۶. عن أبي عبدالله ع قال: إن أمير المؤمنين ع في رسالته إلى الحسن ع: إياك والتغایر في غير موضع الغيرة فإن ذلك يدعو الصحیحة منهن إلى السقم ولكن أحکم أمرهن فإن رأیت عیبا فعجل النکیر علی الصغیر والكبیر، فإن تعینت منهن الريب فيعظم الذنب ويهون العتب. در نسخه تحف جمله آخر چنین آمده است: حرانی، ۱۴۰۴: ۸۷: «... فإن رأیت ذنبا فعاجل النکیر علی الكبير والصغیر. وإياك أن تعاقب فتعظم الذنب وتهون العتب.»
۷. یعنی آنچه در ذیل احتمال سوم از روایت راشد بن سعد از معاویه گفته شد.
۸. یعنی تقدیم اهم بر مهم در تراحم از باب ورود (اصطلاح ورود در مقابل حکومت) ادله اهم بر ادله مهم است (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۶۱ - ۶۷).

کتابنامه

۱. ابن ابی شیبہ الکوفی (۱۴۰۹)، المصنف، ج ۶، تحقیق و تعلیق سعید اللحام، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲. ابن حبان (۱۴۱۴)، صحیح ابن حبان، ج ۱۳، تحقیق شعيب ارتووط، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة.
۳. بخاری (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، ج ۶، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ افست از استانبول: طبعة دار الطباعة العامرة.
۴. بخشی، عبدالله (۱۳۹۳)، اطالعات و امنیت در کتاب و سنت، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۵. برقی، أحمد بن محمد بن خالد (۱۳۳۰)، المحاسن، ج ۲، تحقیق جلال الدین الحسینی المشتهر بالمحدث، چاپ اول، چاپ رنگین، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶. بیهقی، أحمد بن الحسین (۱۴۱۰)، شعب الإيمان، ج ۵، تحقیق ابی هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، تقدیم دکتر عبدالغفار سلیمان البنداری، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمية.
۷. بیهقی، أحمد بن الحسین (بی تا)، السنن الكبرى، ج ۸ و ۱۰، دار الفکر.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، شرح آقا جمال الدین خوانساری، ج ۳ و ۴، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.
۹. حائری، محمد حسن؛ نصرالله شاملی، احسان علی اکبری بابوکانی (۱۳۹۳)، تجسس، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، چاپ دوم، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۱. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تصحیح و تعلیق علی أكبر الغفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۱۲. ابن إدريس حلی (۱۴۲۹)، مستطرفات السرائر «باب النوادر» (موسوعة ابن إدريس الحلی ج ۱۴)،

- تحقیق و تقدیم السید محمد مهدی الموسوی الخراسانی، چاپ اول، چاپ العتبة العلویة المقدسة، اعداد مكتبة الروضة الحيدرية، العراق، النجف الأشرف: العتبة العلوية المقدسة.
۱۳. حمیری قمی (۱۴۱۳)، قرب الإسناد، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۴. سجستانی، سلیمان بن الأشعث (۱۴۱۰)، سنن ابی داود، ج ۲، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، چاپ اول، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۵. سروش، محمد (۱۳۹۳)، مبانی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. صدوق (شیخ)، ابی جعفر محمد (۱۴۰۳)، الخصال، تصحیح و تعلیق علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۱۷. _____ (۱۳۶۸)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، تحقیق و مقدمه محمد مهدی سید حسن خراسانی، قم: منشورات الرضی، المطبعة أمیر.
۱۸. _____ (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۱۹. ضیائی فر، سعید (۱۳۹۲)، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق و تخريج حمدی عبدالمجید سابق، دار إحياء التراث العربي.
۲۱. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، ج ۳۱، چاپ اول، قم: دار الحديث للطباعة والنشر.
۲۲. علی اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۱ ش)، تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷)، تفسیر القمی، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، منشورات مكتبة الهدی.
۲۴. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۲ و ۵، چاپ چهارم، تصحیح و تعلیق علی أكبر الغفاری، حیدری، طهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۵. متقی هندی، علی (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۵، ضبط و تفسیر الشیخ

- بكرى حيانى، تصحيح و فهرسة الشيخ صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٦. مراغى، سيد مير عبدالفتاح بن على حسيني (١٤١٧)، العناوين الفقهية، ج ٢، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
٢٧. شريف رضى (١٤١٢)، نهج البلاغه، ج ٣، چاپ اول، شرح الشيخ محمد عبده، چاپ النهضة، قم: دار الذخائر.
٢٨. هاشمى شاهرودى، محمود (١٤٠٥)، بحوث فى علم الأصول (تقرير درس شهيد محمد باقر صدر)، ج ٧، چاپ چهارم، المجمع العلمى للشهيد الصدر رحمه الله.

